

از مجموعه شعر "خوشبختی مرده‌ای که گور داشت" سروده ساناز داودزاده فر

مرگ

مرگ از لای شب بوها پیدا شد
و من بادبادکی در دستم
مرگ کوچک بود
اندازه حفره گلوله‌ای
که روی سینه‌ام مانده

فصل گلها

مثل فصل گل‌هایی، دیدنت تماشایی
می تپد برای تو، قلب من به شیدایی
آفتاب مهرانگیز، ماه دلربایی‌ها
رود و سبزه و صحرا، دشت خواب و
رویایی
با منی شباروزان، در تمام ماه و سال
مقدمت مبارک باد، ای عروس دریایی
با حضور تو باران، سبز و سبز می‌بارد
سال حاصل دلها، شادی اهورایی
کام روزگار ما، از تو می‌شود شیرین
باغ خنده‌های تو، رونق شکوفایی
خواب دیده‌ام دیشب، در کویر دلتنگی
داده گل به هر جایی، شاخه‌ها مسیحایی
خوش خبر شوی فتاح! پرکشایدت
رویا
سایه‌اش به شهر ما، در بهار نوزایی

فتاح پادپاب - رشت

تو همان شعری

اندکی زیباییات را سهم شعرم کن، همین
بعد، زیبای اساطیری شعرم را ببین
گاه چون رودابه، گیسو نردبان عشق کن
یا فرانک باش؛ ناکامی کنار آبتین
با همین جادوی زیبایی، ونوس شعر باش
با همین چشمان آهوش، نگاه آتشین
با همین دست بلورین نهان در آستین
با همین آرایش شیرین، به طعم انگبین
با همین لبخند کمرنگ پر از شعر و غزل
با همین شیرین زبانی‌های با شکر قرین
شعرهایم را بخوان و عاشقی کن بالیت
تو همان شعری که روزی ساخت رب العالمین

حسین مهری آتیه

گرسنه

آسمان پرنده هایش را می‌خورد
دریا ماهی هایش را
و من طعمه پلنگی زخمی
که هر شب میان سینه‌ام می‌دود
بگو که جهان بازوان تو
شکل دیگری ست
ترجیح می‌دهم گرسنه باشم
و هر سپیده دم
دست‌هایم چون بادی وحشی
در موهایم بچرخد
و لب‌هایم از گندمزار
شعری زمزمه کند
ترجیح می‌دهم گرسنه باشم
و تکرار آهسته "دوستت دارم"
تو را از صف نان بیرون بکشد

الناز وحدتی

جوانه های ادب

سخت و سست = فاعلات
جهان بر تو = مفاعیل
بگذرد = فاعلن
بگذر ز = مفعول
عهد سست و = فاعلات
سخنهای = مفاعیل
سخت خویش = فاعلات

* خانم هدیه احمدی - اصفهان

قسمتی از سروده‌تان را با امید دریافت آثار
بہترتان زمزمه می‌کنیم:
چراغ را روشن می‌کنم
شب کمرنگ می‌شود
و صبح شاداب‌تر از همیشه
نوید آمدن خود را
اعلام می‌کند

ترانه

چو آمد فصل‌های عاشقانه
هوا را گرم کن با یک ترانه
به یاد چشم زیبای خمارت
شبی شد با فضای شاعرانه
صدایت می‌زنم جانا کجایی؟
ندیدم از تو جز سایه نشانه
برایت می‌فرستم بوسه‌ای چند
که گردد دوستی‌ها جاودانه

بهرام کلهر

* آقای غلام امینی - کرج

بیتی از حافظ را تقطیع می‌کنیم:
خواهی که سخت و سست جهان بر تو بگذرد
بگذر ز عهد سست و سخنهای سخت خویش
وزن این بیت مفعول فاعلات مفاعیل فاعلات
است:
خواهی که = مفعول